

راهنمای ناظمین

دوستان عزیز ، با سپاس از همکاریهای صمیمانه شما در اجرای هر چه بهتر برنامه های این تأسیس الهی که همچون " بزم پیشینیان " و " عشاء ربانی " در نزد حق مذکور و از " مشروعات مهمه خطیره که در تقویت و تشدید مبانی نظم الهی ، کمک فراوان نموده " و " از ارکان قویه نظم اداری " محسوب است امیدواریم این جشن روحانی چنانکه مورد نظر هیاکل مقدسه امر بهائی و معهد اعلی است " واسطه الفت و مؤانست و نشر وحدت عالم انسان " و " سبب فرح و سرور قلوب " و علت " حصول تأییدات رحمانی " گردد .

هدف و مقصد ضیافت نوزده روزه

۱- الفت بین قلوب

حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند ، قوله تعالی :
" قد رقم علیکم الضیافه فی کل شهر مره واحده ولو بالماء . ان الله اراد ان یؤلف بین القلوب ولو باسباب السموات و الارضین . "

حضرت عبدالبهاء می فرمایند ، قوله الجمیل :

" ... حضرت بهاءالله آن (ضیافت نوزده روزه) را در کتاب مستطاب اقدس ، تأیید و تصویب فرمودند تا نفوس ، گرد یکدیگر مجتمع گردند و در ظاهر ، مراتب عشق و محبت خویش را ارائه نمایند . رموز الهی آشکار گردد و مقصد از این اجتماع ، ظهور وحدت و اتفاق است تا

بدین سبب قلوب ، کاملاً متحد گردد و مساعدتهای متقابله متبادله ، تأسیس شود ؛ زیرا اعضاء عالم انسان تا با یکدیگر ، متحد و متفق نشوند ، بر ادامه حیات ، قادر نخواهند بود . همکاری و معاضدت متقابله ، اساس جامعه انسانی است . بدون تحقق این دو اصل عظیم ، هیچ نهضت و قیامی ، تقدم و پیشرفت نخواهد داشت . "

و نیز می فرمایند ، قوله الاکرم :

" ... اتحاد و دوستی اجباء برای استفاده از حقایق الهیه است ، برای شرکت در مائده روحانی است . برای روشن شدن مسائل معنوی است . برای بحث و گفتگو از تعالیم و وصایای الهی است . بکلی جنبه روحانی را داراست . "

و همچنین می فرمایند ، قوله العزیز :

" امید من چنان است که جلسات ضیافات نوزده روزه کاملاً مستقر گردد و متشکل شود تا حقایق مقدسه که ماوراء این مجامع است ، جمیع تعصبات و اختلافات را تحت الشعاع قرار دهد و قلوب را منبع و خزانه محبت الهیه مقرر دارد . حتی اگر کمترین احساسی بین نفوس ، موجود و نقیصه ای از وحدت و یگانگی ، مشهود ؛ بالمره مرتفع گردد . در این جلسات باید نهایت نورانیت و خلوص مقصد و مرام ، محسوس شود . اجباء باید از محبت الهیه برخوردار گردند و قدرت پیشرفت مسرت و سعادت نوع انسان و تقدم کلمه الهیه را به دست آورند . با چنین نظر وسیع و بلند ، باید ضیافات تأسیس گردد . "

۲- سنوحات رحمانیه

حضرت عبدالبهاء می فرمایند ، قوله الاعز :

" ... در مجالس ضیافت ، آیات الهیه تلاوت می گردد و قصائد و محامد و نعوت الهیه خوانده می شود و نفوس در نهایت انجذاب ، مبعوث می گردد . اصل مقصود ، این سنوحات رحمانیه است . "

و نیز می فرمایند ، قوله الکریم :

" همچنین مهمانی نوزده روزه ، نیز مجری گردد تا یاران و اماء رحمن به تسبیح و تهلیل حضرت پروردگار پردازند و به ذکر حق مشغول گردند و سبب هدایت خلق شوند . "

حضرت ولی امرالله می فرمایند ، قوله الاعلی :

مقصود از قسمت روحانی جلسات ضیافات نوزده روزه ، تلاوت ادعیه و مناجات حضرت بهاءالله و مرکز عهد و میثاق الهی است . "

۳- ارتباط احباء با نمایندگان خویش

حضرت ولی امرالله می فرمایند ، قوله المجید :

" مقصد اصلی از جلسات ضیافات نوزده روزه آن است که به افراد احباء فرصتی اعطاء نماید تا پیشنهاداتی به محفل روحانی محل تقدیم کنند تا آن محفل آن را به نوبه خویش به محفل روحانی ملی تقدیم نماید . بنابراین محفل محلی واسطه مخصوصی است که به وسیله آن جوامع محلی بهائی می توانند با هیأت نمایندگان ملی خویش تماس گیرند و ارتباط حاصل نمایند . " (ترجمه)

۴- تربیت یاران در زمینه نظم اداری

منشی هیکل مبارک از طرف حضرت ولی امرالله، مرقوم داشته اند: " مقام و موقعیت اداری این ضیافت نیز به وسیله حضرت ولی امرالله از نظر احتیاج متزاید یاران برای تربیت و آمادگی بیشتر در اصول و مراتب نظم اداری بهائی، تبیین گردیده است. "

۵- ترویج مساعی خیریه

حضرت عبدالبهاء می فرمایند، قوله الشریف:

" مقصود از این ضیافت، الفت و محبت و تبتل و تذکر و ترویج مساعی خیریه است. "

بنابراین اگر بخواهیم آنچه را در نصوص مبارکه آمده است تلخیص و جمع بندی کنیم می توانیم اهم مقاصد و اهداف ضیافت نوزده روزه را به شرح ذیل، فهرست کنیم:

۱- الفت بین قلوب

۲- اجتماع احباء و بیان مراتب عشق و محبت خویش به یکدیگر

۳- آشکار شدن رموز الهی

۴- ظهور وحدت و اتفاق و اتحاد قلوب

۵- تأسیس مساعدهای متقابله متبادله

۶- اتحاد و دوستی احباء برای استفاده از حقایق الهیه و برای بحث و گفتگو از تعالیم و وصایای روحانی و روشن شدن مسائل معنوی

۷- رفع احساسات مغایر با وحدت و یگانگی بین احباء

۸- تحقق سنوحات رحمانیه

- ۹- تسبیح و تهلیل حضرت پروردگار و تبیتل و تذکر
 - ۱۰- فراهم آمدن اسباب هدایت خلق
 - ۱۱- ترویج مساعی خیریه
 - ۱۲- اعطاء فرصتی به احباء برای تقدیم پیشنهاد به محفل روحانی
 - ۱۳- ایجاد ارتباط بین احباء و محفل روحانی محلی و ملی
 - ۱۴- تربیت یاران در زمینه نظم اداری
- امیدواریم همه ما و در همه اوقات ، ناظر به این اهداف مقدسه باشیم تا جلسات ضیافات نوزده روزه چنانکه باید و شاید برگزار شود و منبع خیر برای اهل بهاء ، بل اهل جهان گردد .

*مأخذ نصوص مبارکه : مستخرجاتی از آثار مبارکه در باره ضیافات نوزده روزه

اهمیت و لزوم ضیافت نوزده روزه

بیت العدل اعظم در پیام مورخ ۲۷ آگست ۱۹۸۹ خطاب به عموم پیروان امر حضرت بهاءالله تأکید می فرماید: " باید عموم احباء به مفهوم و مقصود ضیافت نوزده روزه کاملاً پی برند. " بر این اساس وظیفه ماست که جنبه ها و وجوه مختلف این تأسیس الهی را در مجامع و محافل خود یاد آور گردیم تا احبای الهی بدانند که مقام ضیافت نوزده روزه نزد حق چیست و چه آثار و نتایجی بر آن مترتب است و هدف از اجتماع احباء در این مجالس کدام است و شرایط و آداب حضور در این عشاء ربانی چگونه است، تا در نتیجه پی بردن به اهمیت این مؤسسه رحمانی، در رونق و اكمال آن بکوشند و مشارکت نمایند.

نخستین وجه اهمیت ضیافت نوزده روزه آن است که به بیان " قد رقم علیکم الضیافه فی کل شهر مره واحده " در ام الكتاب دور بهائی، مأمور شده ایم، چنانچه منشی هیکل مبارک حضرت ولی امرالله از طرف ایشان مرقوم کرده اند: " در یکی از مکاتیب قبل، خطاب به محفل روحانی ملی، هیکل مبارک تبیین فرموده اند که امر ضیافت ولو حکم الزامی نیست از طرف حضرت بهاءالله مسأله ای فوق العاده مهم و قابل توجه تشخیص داده شده است. در کتاب مستطاب اقدس مخصوصاً " جنبه روحانی و معنوی آن تأکید گردیده و نیز اهمیت اجتماعی آن در جامعه بهائی وسیله ای برای حصول محبت و اتحاد نزدیکتر بین افراد اجباست. مقام و موقعیت اداری این ضیافت نیز به وسیله حضرت ولی امرالله از نظر

احتیاج متزاید یاران برای تربیت و آمادگی بیشتر در اصول و مراتب نظم اداری بهائی، تبیین گردیده است.

بنابراین احباء باید به این نکته متذکر گردند که "حضور در جلسات ضیافت نوزده روزه الزامی نیست ولی بسیار مطلوب و صاحب اهمیت و موقعیت فراوان است. یاران باید سعی موفور مبذول دارند تا خود را از موهبت چنین اجتماع روحانی جامعه... محروم مسازند. " زیرا اولاً، " از مشروعات مهمه خطیره که در تقویت و تشیید مبانی نظم الهی کمک فراوان نموده، مؤسسه ضیافات نوزده روزه است. " ثانیاً " ... صاحب ارزش و اهمیت اداری و اجتماعی است و چون چنین کیفیتی را داراست باید جمیع اجتبابی مسجّل منظمًا در آن حضور یابند. " ثالثاً، " فرصت مناسبی که یاران برای بحث و مذاکره در باره مسائل اداری امر دارند طی جلسات ضیافات نوزده روزه است. "

حضرت عبدالبهاء در باره اهمیت ضیافات نوزده روزه می فرمایند،
قوله تعالی :

" در هر کور و دوری ضیافت، مقبول و محبوب و تمدید مائده به جهت اجبابی الهی ممدوح و محمود، علی الخصوص در این دور عظیم و کور کریم که نهایت ستایش را دارد زیرا از محافل ذکرالله و مجالس پرستش حق فی الحقیقه شمرده می شود. "

معهد اعلی در این مورد می فرمایند: " ضیافت نوزده روزه را می توان ترکیبی بدیع از حالاتی دانست که حد کمال جریان تاریخی است و بالمآل عناصر اولیه زندگانی جامعه بشری یعنی عبادت، جشن و شادی و

سایر انواع مجالست و مؤانست را پس از طی زمانی طولانی بنحوی بدیع و جلیل در هم ادغام نموده است .

با عطف نظر به این بیانات ، متوجه می شویم که ضیافت نوزده روزه ، مفهومی بغایت عمیقتر از صرف گرد هم آمدن جمعی از احباء دارد چه در موقعیتها و به مناسبتهاى دیگر نیز احباء مجتمع می شوند ولی هیچ کدام نقش و اهمیت و مقام ضیافت نوزده روزه را ندارد چه بفرموده معهد اعلی " ضیافت نوزده روزه حاکی از مرحله جدیدی از تکامل جلوه های حیات جامعه در این عصر نورانی است .

با نگاهی به تاریخ امر مبارک متوجه می شویم که ضیافت نوزده روزه از آغاز چنین شکل و مفهومی نداشته که امروزه با آن سر و کار داریم و همانند دیگر مؤسسات روحانی بهائی ، بتدریج شکل یافته است . معهد اعلی در این باره می فرماید : " این نکته جالب توجه است که تحول شکل و مفهوم ضیافت نوزده روزه متناسب با مراحل توسعه امر الهی بوده است . در قبال حکم حضرت بهاءالله در مراحل اولیه امرالله در ایران ، احبای الهی هر نوزده روز یک بار در خانه خود مهمانی ترتیب می دادند و ضمن پذیرائی از دوستان به تلاوت آیات و مذاکره در مسائل امری می پرداختند . بتدریج که جوامع بهائی رشد و توسعه یافتند حضرت عبدالبهاء جنبه های روحانی و اجتماعی ضیافت نوزده روزه را مشخص فرموده و مورد تأکید قرار دادند . پس از تعمیم محافل روحانی ملی ، حضرت ولی امرالله ، قسمت اداری را به برنامه ضیافت نوزده روزه افزودند و آن را یکی از مؤسسات امری در جامعه بهائی محسوب داشتند .

گوئی ضیافت نوزده روزه چون آهنگی دلنواز در سه مرحله به حد کمال رسیده است . ”

اهمیت ضیافت نوزده روزه زمانی بیشتر آشکار می گردد که رابطه آن را با نظم بدیع جهان آرای الهی و استقرار مدنیت روحانی بهائی در نظر گیریم . معهد اعلی یادآور می شوند که ” حضرت ولی امرالله ضیافت نوزده روزه را شالوده و اساس نظم بدیع جهانی معرفی فرموده ” و همچنین می فرمایند : ” نظم جهانی حضرت بهاءالله جمیع واحدهای جامعه بشری را در بر می گیرد و جنبه های روحانی ، اداری و اجتماعی زندگانی را با یکدیگر تلفیق می بخشد و مجهودات متنوعه بشری را به سوی ایجاد تمدنی جدید هدایت می کند . ضیافت نوزده روزه حائز جمیع این جنبه ها در سطح پایه و اساس جامعه است . ”

این رابطه بین ضیافت نوزده روزه و نظم بدیع از جهت دیگر نیز قابل توجه و بررسی است و آن ارتباط آحاد احواء با امنای جامعه می باشد . حضرت ولی امرالله می فرمایند : ” در جلسات ضیافات نوزده روزه فرصت معینی برای افراد جامعه اختصاص داده شده که نظرات خود را اظهار و پیشنهاداتی به محفل خویش تقدیم نمایند . محفل و احواء باید منتظر و مترصد این دوره مسرت انگیز بحث و مذاکره باشند و هیچ یک از آن نهراسند و آن را متوقف نسازند . ”

بنابراین باید این نکته را به احواء تفهیم نمود که ” ضیافت نوزده روزه صحنه تجلی آزاد فکری در ریشه و پایه جامعه است ، یعنی در سطحی واحد ، محفل روحانی محلی و اعضاء جامعه در یک اجتماع مشترک

گرد هم می آیند و افراد آزادند تا افکار خود را به دیگران ارائه نمایند
اعم از اینکه افکاری جدید باشد یا انتقاداتی مفید و مؤثر برای به وجود
آوردن تمدن متریقی. " پس اگر بخواهیم رابطه ضیافت نوزده روزه را با
نظم اداری بهائی خلاصه کنیم باید بگوییم: " ضیافت نوزده روزه حلقه
واسطه ای است که جامعه محلی را بنحوی خلاق و سازنده با هیکل نظم
اداری بهائی مربوط می سازد. "

وجه دیگر اهمیت ضیافت نوزده روزه، جنبه اجتماعی آن است که در
آینده ضمن بررسی اهداف، آثار و نتایج ضیافت نوزده روزه به آن
بیشتر خواهیم پرداخت ولی برای حسن ختام این مقال، نقش اجتماعی
ضیافت نوزده روزه را از دیدگاه معهد اعلی ملاحظه می کنیم که
می فرمایند: " این مؤسسه ای که از کلیه آحاد و افراد جامعه تشکیل
شده، صرف نظر از اهمیت روحانی، مشتمل بر جنبه های اجتماعی لازم
برای تربیت نفوسی است که در آن شرکت می کنند تا هر کدام
عضوی مسؤول برای جامعه خود شوند. "

رعایت چند نکته در اجرای قسمتهای مختلف برنامه :

۱- مجدداً یادآور می شویم که به اعضای جلسه خود یاد آور شوید که نهایت سعی خود را بنمایند که با رعایت وقت شناسی دقیق قبل از وقت مقرر در محل تشکیل جلسه حاضر شوند ولی اگر به دلایلی موفق نشدند قبل از شروع برنامه ها ، در جلسه حضور یابند ، توجه داشته باشند که حین اجرای برنامه های روحانی، با ورود خود ، توجه حاضرین جلسه را مختل نمایند . در این گونه موارد باید یا در مکانی دیگر مستقر شوند تا برنامه های روحانی تمام شده و ناظم از آنان دعوت نماید که در جمع حاضر شوند یا با آرامش و سکوت ، بدون اینکه اختلالی در نظم جلسه ایجاد نمایند در اولین جای خالی مستقر گردند .

بسیار دیده شده که ناظم جلسه ، مراعات این نکته را ننموده و خود نیز باعث این اختلال شده است ، لذا مستدعی است ضمن تذکر مشفقانه به احباء ، خود ضامن حسن اجرای آن باشید .

۲- معهد اعلی در پیام مورخ ۲۷ آگست ۱۹۸۹ خطاب به عموم پیروان امر حضرت بهاءالله می فرمایند : "اگر بخواهیم ضیافت نوزده روزه به نحوی مناسب تر ترتیب داده شود علاوه بر درک مفهوم و مقصود آن باید مقدمات لازم برای برگزاری و نیز برای مشارکت احباء در ضیافت آماده شود . " با توجه به این مطلب ، لازم است تمهیداتی اندیشیده شود که بتدریج و مستمرا" زمینه " درک مفهوم و مقصود ضیافت " و "مشارکت احباء در ضیافت " فراهم شود . اصل مشارکت که در همه

امور جامعه بهایی مصداق دارد در ضیافت که قاعده نظم بدیع جهان آرای الهی است ، بیشتر مورد نظر است . این مشارکت در همه شؤون ضیافت باید رعایت گردد . از تخصیص منزل و پذیرائی میهمانان ضیافت گرفته تا اجرای برنامه ها به احسن وجه و همکاری با ناظم جلسه در حسن جریان امور ضیافت ، زمینه مشارکت احباء می باشند .

۳- نقش ناظم جلسه که بالنیابه از طرف امنای جامعه ، میزبان اعضای ضیافت است بس خطیر و اساسی می باشد . ناظم در عین اینکه محور نظم و ترتیب جلسه است باید خود در تحبیب قلوب و تألیف نفوس و تسریر خاطر احباء پیشقدم گردد و کاری کند که جلسه ضیافت حقیقتاً " سبب سرور و اتحاد و محبت احبای الهی " و سبب تذکر و تنبه و روح و ریجان احباء الله " شود .

۴- " رعایت ادب و احترام چه در نحوه تلاوت و زیارت آثار مبارکه و چه در نحوه استماع آثار مزبور " از جمله آدابی است که معهد اعلی در همان پیام منیع ما را به آن متذکر ساخته اند . بدیهی است حسن تدبیر شما در نحوه اجرای قسمت روحانی و تقسیم برنامه ها بین نفوسی که هر چه بیشتر و بهتر بتوانند موجب رعایت این اصل گردند ، عاملی مؤثر در تجلی این روح ادب و احترام است . از جمله تدابیر این است که برنامه ها - بخصوص ، آثار مبارکه قسمت روحانی - دقایقی پیش از شروع جلسه بین حاضرین واجد شرایط تقسیم گردد تا فرصت کافی

برای مرور آنها داشته باشند. احتیاط حکم می کند که حتی نفوس عالم و فاضل نیز که با این آثار آشنائی قبلی دارند، یک بار آنها را مرور نمایند. دیگر آنکه فهرست برنامه ها قبل از مناجات شروع اعلام گردد و از قارئین برنامه ها خواسته شود که بر اساس شماره فوق برگه شان، ترتیب برنامه ها را رعایت کرده، در نوبت مقرر خود، به اجرای آن پردازند.

۵- در بعضی مواقع، از ساحت رفیع معهد اعلی پیامی دریافت شده که جزء فهرست برنامه ضیافت نیست، در این صورت باید نوبت قرائت و زیارت پیام منیع معهد اعلی در قسمت اداری و پیش از "اخبار و بشارات"، "شعر"، "حکایت" و "شور و پیشنهاد" قرار داده شود. چنانچه از پیش در باره آن پیام منیع، مطالبی از نصوص مبارکه یا سایر پیامهای بیت العدل اعظم بمناسبت موضوع، انتخاب نمائید به شما کمک می کند پس از زیارت پیام، مفاد آن را بهتر توضیح و تشریح کنید.

۶- یکی از عوامل اختلال جلسات و ایجاد ملالت و کسالت در حاضرین، ادای توضیحات بدیهی و مفصل توسط ناظم جلسه یا دیگر حاضرین است. اینکه چگونه و با چه تدبیری می توان از این امر پیشگیری نمود، بنا به هر مورد، متفاوت است و نمی توان طریق واحدی پیشنهاد کرد ولی شما می توانید مرور و بر اساس تجربه شخصی خود این گونه موارد را شناخته، برای پیشگیری از آن تدبیراتی بیندیشید. لسان شفقت و

رعایت حکمت در این مورد نیز کارساز است. البته دقت می فرمائید که جانب اعتدال رعایت شود و برای گریز از پر گوئیها، به ورطه شتابزدگی و عجله نیفتیم که برنامه ها بلا انقطاع و بدون بحث و نظر، پی در پی خوانده شود و آنچه مقصود از ضیافت است تحقق نیابد.

۷- در تدوین و عرضه هر چه بهتر برنامه ها، قسمتی از کار، متوجه درست خوانی آثار مبارکه و متون دیگر است لذا شایسته است به نکات ذیل توجه نموده، یاران عزیز را نیز مطلع فرمائید:

الف - در مواردی که یک حرف از کلمه ای با دو یا سه حرکت (أعراب)، مشخص شده بدین معناست که هر دو تلفظ، صحیح می باشد. در مواردی که هیچ حرکتی گذاشته نشده بدین معناست که صورتهای مختلف تلفظ آن کلمه که متداول است، درست می باشد.

ب - از خواندن معانی لغات و مآخذ نقل آثار مبارکه در حین تلاوت برنامه های قسمت روحانی، اجتناب شود تا فضای روحانی و توجه و تمرکز دوستان، محفوظ بماند. بدیهی است ناظم محترم، پس از پایان قسمت روحانی می توانند معانی لغات را برای اطلاع اعضاء، بخوانند.

ج - قبل از تلاوت قسمت روحانی، تذکر داده شود که مضمون آیات کتاب مستطاب اقدس و کلمات مبارکه مکث مکنونه، بعد از پایان قسمت روحانی خوانده شود و از خواندن این توضیحات در وقت تلاوت و زیارت آثار مبارکه، خودداری شود تا حالت روحانی موجود در جلسه حفظ شود.

۸- چون در هر جلسه ، یک موضوع بعنوان محور تهیه و تدارک در قسمت روحانی و اداری جلسه در نظر گرفته می شود برای غنای بیشتر جلسه ، چنانچه قبلاً" مطالعاتی در زمینه همان موضوع انجام دهید ، فواید عدیده در بر دارد و شما را قادر می سازد که در توضیح برنامه ها و یا پاسخگوئی به سؤالات اعضا و همچنین اداره صحیح و دقیق قسمتهای بحث و تبادل نظر ، به توفیق بیشتری دست یابید که این امر ، خود موجب رونق و گرمی جلسه شده ، اعضا را به حضور مرتب و مشارکت فعالانه ، تشویق و تحریض می نماید .

۹- با توجه به تفاوتی که ادعیه و مناجاتها با سایر آثار مبارک دارند ، دقت فرمائید در احیان دعا بخصوص در جلسات ایام محرمه ، مانند ضعود و شهادت هیاکل مقدسه - حتماً ادعیه و مناجات ، تلاوت شود . همان طور که واقفید مشخصه ، اصلی مناجات و دعا این است که مفاد متن از جانب خلق به سوی حق ، خطاب می شود و ضمن آن از ساحت حق در خواستی می شود یا ادای شکر و سپاس می گردد و یا به تحمید و ستایش پروردگار می پردازد ، اما در آثار دیگر بتناسب موضوع و غرض از نزول و صدور آنها ، مفاد متن از جانب حق و مظهر صفات او یا مبین کلماتش به سوی خلق ، خطاب می شود و طی آن ، دستورات و تعالیم و احکام و حقایق ، بیان می گردد . این اشتباه باعث شده که در چند مجموعه مناجات و ادعیه نیز آثاری جز مناجاتها گنجانده شوند که فی الحقیقه مناجات محسوب نمی شوند ؛ مانند لوح مبارک حضرت

عبدالبهاء با مطلع " ای متوجه الی الله ، چشم از جمیع ما سوی بریند ... " که در یکی از مجموعه های مناجات حضرت عبدالبهاء درج گردیده است و یا بسیاری الواح مبارکه حضرت بهاءالله که در مجموعه " ادعیه حضرت محبوب " قرار داده شده اند .

۱۰- در اوقاتی که اعضای جلسه به بحث و گفتگو و یا اظهار نظر در زمینه مواضع برنامه مشغولند ، دقت فرمائید که روح محبت و خضوع بر گفتگوها و روابط حاکم باشد و ضمناً رشته کلام چنان از دست نرود که موجب ملال حاضرین گردد و خستگی بر اذهان مستولی شود . در این قبیل موارد با ظرافت و بنحو حکیمانه اما قاطعانه ، جریان برنامه را به سمتی ببرید که روحانیت و سرور و الفت جلسه از بین نرفته ، بر عکس تقویت گردد . البته با شناختی که از روحیات و عادات و حساسیتهای اعضای جلسه خود دارید و یا بمرور زمان به دست می آورید ، پیش بینی های لازم برای مقابله با این حالات خواهید فرمود .

۱۱- بهبود کیفیت مشارکت نوجوانان ، مواقعی است که آنان در مورد برنامه ها یا موضوع " شور و پیشنهاد " جلسه ، مطلبی اظهار می کنند . در این مواقع باید نهایت احترام به سخنان و نظرات آنان گذاشته شود و حتی اگر اشکال یا اشتباهی در کلام و نحوه بیان آنان است ، از نقد و ایراد فی المجلس و بلافاصله اجتناب شود . اگر اعضای جلسه با صحبت کردن یا توجه نکردن به سخنان این عزیزان موجبات رنجش آنان را

فراهم آورند ، تلویحا" به آنها آموخته اند که می توانند به نظرات و افکار دیگران بی اعتنائی کنند ، لذا بر عهده شما ناظم محترم است که از بروز چنین رفتارهایی پیشگیری به عمل آورید و در صورت وقوع ، با اتخاذ تدابیر لازم ، اثرات نامطلوب آن را کاهش دهید .

۱۲- در مواقعی که یکی از این عزیزان به اجرای برنامه ای مشغول است ، ضمن توجه کافی به وی از هرگونه اظهار نظر در باره نحوه اجرای وی اجتناب فرمائید . بخصوص نوجوانان در موقعیتی هستند که تاب چنین انتقاداتی نمی آورند و برای گریز از آنها ممکن است از حضور در جلسه امتناع کنند . لغزشها و اشتباهات آنان را نادیده بگیرید و در حضور جمع از آنها انتقاد نکنید . برای رفع اشکالات آنها می توانید در فرصتهای دیگر و با لسان شفقت ، اقدام مقتضی به عمل آورید . مثلاً" ضمن تشویق آنها ، بکوشید آنان را در جهت رفع اشکالاتشان راهنمایی دوستانه بنمائید ، یا از اولیاء ، معلم درس اخلاق و هر فرد دیگری که روابط دوستانه و معقول با ایشان دارد بخواهید به طریق صحیح به وی کمک کند تا اشکال خود را رفع نماید .

البته بسیاری از این اشکالات ، جزئی و گذرا هستند ولی برای این ارواح لطیف هر گونه ایرادگیری ، سبب می شود که چنین تصور نمایند که تصویری از آنها در ذهن دیگران نقش بسته که چندان مطلوب نیست . اشتباهاتی چون غلط خواندن متون برنامه ها ، سریع و نامفهوم خواندن برنامه ها ، مراعات نکردن بعضی آداب و شؤون جلسه ضیافت ، و جز

اینها، مواردی هستند که معمولاً هدف انتقادات و ایرادهای بزرگسالان قرار می‌گیرند در حالی که اگر به گذشته برگردیم و خود را در این سن و سال در نظر آوریم متوجه می‌شویم که این اشکالات که بعضاً طبیعی هستند با لسان شفقت قابل اصلاح هستند.

۱۳- چندی است که برنامه‌ای تحت عنوان "سخن ماه" در ضیافت نوزده روزه اجراء می‌شود. مطالب این قسمت با توجه به هدایات معهد اعلی و مسائل و مشکلاتی که جامعه بهائی ایران در حال حاضر با آنها مواجه است تهیه می‌شود و بیانگر نظرات و دیدگاههای امنای جامعه است، لذا ضمن توجه کافی به مفاد آنها، بکوشید که دیگر عزیزان نیز به این نکته واقف گردند که مطالب این برنامه سوای مقالاتی است که بعضی اوقات در جزء برنامه های ضیافت قرار می‌گیرد. یکی از منابع عمده تنظیم مطالب سخن ماه، نظرات و پیشنهادهای واصله از ضیافت نوزده روزه یا طرق دیگر است بنابراین چنانچه وقت "شور و پیشنهاد" جلسات بیش از این رونق یابد، از حاصل آنها می‌توان به مسائل عمومی جامعه دست یافت و بر آن اساس و با استفاضه از آثار مبارکه و هدایات معهد اعلی آنچه را اهل بهاء به آن مأمورند، در ضمن برنامه "سخن ماه" مطرح نمود تا جالب افکار همه افراد اجباء گردد.

۱۴- در مورد " گلدانی " که در وقت الفت و پذیرائی برای جمع آوری تبرعات کریمانه یاران ، گذاشته می شود نظر شما را به رعایت کامل جمیع جوانب روحانی این عمل جلب می نمایم . همان طور که مستحضرید تقدیم تبرعات در جامعه اهل بهاء باید بنحوی باشد که عاری از هر گونه شائبه اجبار و تظاهر بوده ، بر عکس ، جلوه ای از خلوص ، تواضع ، وحدت و همدلی ، شکر گزاری و شرکت در مشروعات جامعه را نشان دهد .

با توجه به آنچه معروض شد ، لطفاً بنحو حکیمانه و به طریقی که جالب انظار اعضای جلسه نباشد و ایجاد سوء تفاهم ننماید و بتدریج ، طوری اقدام کنید که گلدان در محلی قرار گیرد که هر کس آزادانه و به مقتضای وسع خود و کاملاً پوشیده از انظار هر مقدار که تمایل دارد در گلدان قرار دهد . از اصرار و تکرار مرتب این نکته که " گلدان فراموش نشود ، " اجتناب فرمائید و تذکر و اعلام را در حدی بیان نمائید که شبهه الزام و اجبار در اذهان پدید نیاید .

نکته دیگر آنکه پس از شمارش وجوه داخل گلدان به هیچ وجه اجازه ندهید که کسی به انگیزه تکمیل وجوه و به اصطلاح " رند " کردن آن ، مبلغ مشخصی تبرع کند . از هر گونه عمل دیگر چون لاتاری یا روشهای مشابه آن در مورد وجوه تبرعات جلسه ضیافت ، اجتناب فرمائید و جنبه روحانی و وجدانی آن را حفظ فرمائید . مجدداً یادآور می شویم که موارد فوق را در جلسه ضیافت اعلام نفرمائید و فقط با

توجه به آنچه معروض شد و بنحو حکیمانه و تدریجی بکوشید مواردی که با روح انفاق در امر مبارک موافقت ندارد، از بین برود.

۱۵- چنانچه برنامه ای درست اجراء نشد و بنا به دلایلی اعضای جلسه متوجه مفاد آن نشدند، می توانید بنحوی که خواننده و مجری آن برنامه دلخور نشود قسمتهای مهم برنامه را بار دیگر و این بار با لحن صحیح بخوانید. ولی حتما توجه داشته باشید، این کار به صورتی نباشد که موجب ناراحتی و تکدر خاطر مجری برنامه فراهم آید که اگر چنین باشد بهتر است از دوباره خوانی برنامه اجتناب کنید و طریق دیگری برای بیان نکات مهمه برنامه در پیش گیرید.

۱۶- در بعضی موارد دیده شده که اجبای عزیز، قبل از " قسمت اجتماعی " و الفت و پذیرائی، مناجات خاتمه را تلاوت می نمایند و بدین ترتیب بعضی از حاضرین، جلسه را ترک می کنند نتیجتاً در وقت الفت و پذیرائی، حضور ندارند. لطفاً به اعضای ضیافت خود، یادآوری فرمائید که این برنامه و تقسیم بندی آن به صحنه مبارک حضرت ولی امرالله رسیده و باید به همان صورت که در فهرست برنامه ها می آید، اجراء شود. از طرف دیگر وقت الفت و پذیرائی جزء قسمتهای رسمی ضیافت است و همه اعضا باید در آن مشارکت داشته باشند.

شور و پیشنهاد در ضیافت :

۱- اهمیت مشورت در امر بهائی در بسیاری از نصوص مبارکه تاکید و تشریح شده و معهد اعلی نیز بکرات اهل بهاء را به آن متذکر نموده ، اشاعه و توسعه امر مشورت را در همه زمینه ها و بین همه افراد بهائی ، توصیه فرموده اند . امر مشورت خاص جلسات ضیافات نوزده روزه و یا جلسات تشکیلات نیست بلکه چنانکه از نصوص مبارکه ادراک می گردد ، فرد بهائی مامور است که در هر موردی با تشبث به مشورت از قوای فکری دیگران در رفع مشکلات شخصی و اجتماعی خویش بهره گیرد . بنابراین احبای عزیز باید به این نکته توجه نمایند که مشورت را در همه امور زندگانی خویش به کار برند تا بدین ترتیب بلوغ خرد خویش را اثبات نمایند .

۲- مشورت در امور اداری جامعه با مشورت در مسائل خصوصی ، تفاوتی دارد که به اهم آنها اشاره می شود .

به هنگام مشورت در امور امرالله باید نهایت دقت را مراعات نمائیم تا جمیع اصول و مبادی و آداب امر مشورت بمورد اجرا گذاشته شود و سرموئی از منهج قویم و صراط مستقیم منحرف نگردیم و برای نیل به اعلا مراتب شور بهائی ، هر روز بکوشیم زیرا خصائل لازم برای اصحاب شور نیز همانند دیگر سجایای انسانی ، دفعتاً تحقق نمی یابد و همه احباء ، منفرداً و مجتمعاً باید بکوشند و مداومت نمایند و خود را با سر

مشقهای عالی‌ه ای که در دست دارند بسنجند تا قدم به قدم به آنچه مورد نظر حق است نزدیک گردند .

۳- امر مشورت - چه خصوصی و چه عمومی - چنان ظریف و دقیق است که در مجامع دانشگاهی و تحقیقاتی برای دستیابی به موازین و معیارهای مشورت صحیح و کارآمد به پژوهش‌هایی دست زده اند تا با روش علمی و با توجه به یافته‌های علوم مختلف از جمله روانشناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، زبان‌شناسی و علوم ارتباطات، مشخص نماید که لازمه یک مذاکره مفید چه چیزهایی است و روش‌هایی که می‌توان در موقعیت‌های متفاوت و بنا به انگیزه‌ها و اهداف و خصوصیات طرف‌های مشاوره به کار گرفت، کدامند یکی از این کوشش‌ها در دانشگاه هاروارد و توسط "راجر فیشر" و "ویلیام اوری" صورت گرفته که حاصل آن در کتابی با عنوان "روانشناسی توافق - مذاکره اصولی" گرد آمده .

اگر بخواهیم محور مباحث این کتاب را در خلاصه‌ترین صورت ممکن بیان کنیم، این بیت مولانا است که می‌فرماید:

زان سوی نظر، نظاره کردن در کوجه سینه‌ها دویدن
زیرا "مذاکره" چیزی نیست جز سعی در تفاهم و همدلی و درک
متقابل و فرا رفتن از آنچه هستیم و می‌فهمیم به آنچه می‌توانیم بشویم و
بفهمیم و این امر ممکن نیست مگر با قبول این فرض مسلم که حقیقت
مطلق در اختیار هیچ‌تواننده‌ای نیست مگر آنکه با استمداد از عقول

دیگران به حد نهائی حقیقت نزدیکتر شود. مطالعه این کتاب را، که به فارسی نیز ترجمه و تا به حال چندین نوبت چاپ شده، به همه علاقه مندان توصیه و پیشنهاد می کنیم.

۴- تاکید بر اهمیت وقت " شور و پیشنهاد " در جلسات ضیافت، نکته دیگری است که باید برای همه اعضای ضیافت مطرح گردد. کوشش و دقت شما در برگزاری هر چه بهتر و جدیتر این قسمت از برنامه عامل مهمی در رونق امر مشورت در ضیافات است. برای موفقیت در این زمینه بعضی نکات به نظر رسیده که ذیلاً" معروض می گردد:

الف - در باره نحوه مشورت صحیح به مطالعه نصوص مبارکه و کتابهایی که در این زمینه نوشته شده اند مراجعه نمائید و مطالب آنها را دقیقاً" بررسی و تجزیه و تحلیل نمائید. به این نکته توجه کنید که چه مشکلاتی در اداره یک جلسه مشورتی دارید سپس در مطالعات خود به دنبال راه حل این مشکلات باشید.

ب - مسائل و مشکلات خود را با افراد مجرب و کار دیده مطرح کنید و از راهنمایی و هدایات آنها استفاده کنید. به یاد داشته باشید که تجربه عملی نفوسی که خود در مشورت موفق و مورد اعتماد دیگرانند بسیار گرانبهاست.

ج - بکوشید در هر جلسه پیش از دیگر اعضاء موضوع مشورت آن جلسه را بفهمید و جوانب مختلف آن را بررسی کنید. اگر قبل از جلسه وقت کافی در اختیار دارید حول و حوش موضوع مشورت - که معمولاً

متناسب با موضوع برنامه همان جلسه است - مطالعه ای انجام دهید یا با دقت در اوضاع دور و بر خود زمینه هائی برای بحث و تبادل نظر بیابید و آنها را همچون کلید آغاز گفتگو در جلسه به کار گیرید .

معمولا سردی و سکوت حاکم بر وقت شور و پیشنهاد در ضیافات با گرمی کلام ناظم جلسه می شکند و هیجان و بیداری فکری وی به حاضرین نیز سرایت کرده ، افکار آنها تحریک شده ، وارد بحث و اظهار نظر می شوند .

د - بیش از پیش به نقش ناظم و اداره کننده جلسات مشورتی در قبال موضوع شور و اعضای مشورت کننده توجه کنید . در اهمیت نقش ناظم باید از دو حد افراط و تفریط به دور مانیم یعنی نه چنان بیندیشیم که ناظم همه کاره جلسه است و هر چه او بگوید مطلقاً صحیح است و نه آنکه چنان حضور ناپیدائی داشته باشیم که جلسه به گفتگوهای نامربوط و مهمه و نهایتاً خستگی حاضرین بینجامد .

ه - از صحبت طولانی افراد با رعایت ادب و محبت و بنحوی که باعث کدورت شخص گوینده و تخفیف شأن وی نگردد پیشگیری نمایید . سعی کنید حتی الامکان همه در بحث و گفتگو شرکت نمایند و بتدریج بیاموزند که نظر خود را با رعایت آداب بهائی که در آثار مبارکه مندرج است ، آزادانه بیان کنند .

و - اجازه ندهید فردی از اعضاء ، صراحتاً یا تلویحاً ، بنحوی اظهار نظر نماید که موجب کدورت دیگران شود . در صورت وقوع چنین امری ضمن هدایت بحث به مسیر اصلی و صحیح آن می توانید بنحوی بیان

مطلب کنید که اثر سخنان آن فرد تخفیف پیدا کند. در فرصتهای دیگر با تذکرات کلی و عمومی و بدون اشاره به شخص بخصوصی، روش صحیح اظهار نظر در جلسات بهائی را تشریح فرمائید و از حاضرین بخواهید که بکشند آداب شور بهائی را بیاموزند و به کار برند.

ز - به همه افراد - حتی نونهالان و نوجوانان - فرصت اظهار نظر بدهید هر چند که بعضاً در بیان مافی الضمیر خویش دچار اشکالاتی باشند. ضیافت نوزده روزه موقعیتی است که افراد فرصت می یابند در امور اجتماعی مشارکت نمایند. این مشارکت در ارائه پیشنهادها و طرق عملی اصلاح امور جامعه و یا بیان انتقادات مفیده که مسؤولین جامعه را متوجه اشکالات و نقایص کارها می کند، تحقق می یابد.

ح - به نوعی رفتار نکنید که برای اعضای جلسه چنین تصویری پیش آید که خدای ناکرده شما از نظرات شخص خاصی جانبداری می کنید. حتی اگر نظری از سوی فرد مطلع و واجد صلاحیتی مطرح می گردد بکوشید اهمیت نظرات وی را بنحوی بازگو کنید که دیگران نیز چون شما به ارزش نظرات وی واقف گردند تا بدین ترتیب تفاهم کلی فراهم گردد.

ط - از نقد و ارزیابی نظرات اعضاء به صورتی که منجر به مجادله و مباحثات بی سرانجام شود جلوگیری به عمل آورید.

ی - برای دقت بیشتر در انتقال پیشنهادهای رسیده، بهتر است متن نوشته شده هر پیشنهاد را برای همه بخوانید تا چنانچه مفهوم آن مورد تأیید پیشنهاد دهنده یا پیشنهاد دهندگان است، به همان صورت یادداشت و به امنای جامعه منتقل گردد.

ضیافت نوزده روزه و مشورت

۱- معهد اعلی در پیام منیع مورخ ۲۷ آگست ۱۹۸۹ خطاب به عموم پیروان امر حضرت بهاء الله در باره نقش اجتماعی و اداری ضیافت نوزده روزه ، چنین می فرمایند :

” ضیافت نوزده روزه فرصتی فراهم می آورد که پیامهای تشکیلات ملی و بین المللی به اجباء ابلاغ شود و پیشنهادات و نظرات آنان به مقامات مزبور منتقل گردد . به این علت ، ضیافت نوزده روزه ، حلقه واسطه ای است که جامعه محلی را به نحوی خلاق و سازنده با هیكل نظم اداری بهائی مربوط می سازد . حتی اگر ضیافت را در محدوده همان محیط محلی در نظر آوریم بازهم سبب اعجاب و مسرت خاطر فراوان است ، زیرا هر فرد بهایی را به جریانی گروهی مربوط می سازد که سبب ایجاد و ابقاء حیات جامعه است . ضیافت نوزده روزه صحنه تجلی آزاد فکری در ریشه و پایه جامعه است ، یعنی در سطحی واحد ، محفل روحانی محلی و اعضاء جامعه در یک اجتماع مشترک گرد هم می آیند و افراد آزادند تا افکار خود را به دیگران ارائه نمایند ، اعم از اینکه افکاری جدید باشد یا انتقاداتی مفید و مؤثر برای به وجود آوردن تمدنی مترقی . لذا می توان ملاحظه کرد که این مؤسسه ای که از کلیه آحاد و افراد جامعه تشکیل شده صرفنظر از اهمیت روحانی مشتمل بر جنبه های اجتماعی لازم برای تربیت نفوسی است که در آن شرکت می کنند تا هر کدام عضوی مسئول برای جامعه خود شوند .

۲- بعضی احباء علت امتناع خود را از طرح پیشنهاد در ضیافت این گونه بیان می نمایند که چون به نظراتشان عمل نمی شود، ارائه پیشنهاد، کار بیهوده ای است در یکی از ضیافتات چون این مشکل، مطرح شد، یکی از احباء گفت پیشنهادهای ما مثل تبرعات ماست. آیا هیچ کدام از ما پی تبرعات خود را می گیریم تا ببینیم در چه امری صرف می شود؟ آیا هیچ کدام از ما منتظر می مانیم به ما اعلام نمایند که تبرعات ما را در چه کاری خرج کرده اند؟ پیشنهادهای ما نیز حیا" لجماله باید بیان گردد و اطمینان داشته باشیم که اگر حقیقتی در آن باشد، حتماً تأثیر می کند، چه که به ما اطمینان داده اند که اگر نفسی به کلمه حقی تکلم نماید، آن کلمه لازال در تمولج بوده و خواهد بود.

۳- یکی از مسائلی که در سالهای اخیر به هنگام مشورت در ضیافتات به آن پرداخته نشده، تبادل نظر اعضای ضیافت در باره پیشنهادهایی است که از طرف سایر اعضا، مطرح می گردد. درست است که در نهایت هر فردی حق دارد بخواهد که پیشنهاد و نظر وی را، حتی در صورتی که سایر اعضای ضیافت نیز با آن موافق نیستند، به اطلاع مسؤولان جامعه برسانند ولی این نباید مانع شور حقیقتی که تصادم آراء و افکار است، بشود.

احبای عزیز باید در کمال نزاکت و خضوع و محبت در باره پیشنهاد مطرح شده و آراء و نظرات یکدیگر، اظهار نظر نمایند تا حقیقت امر، ظاهر شود. چه بسا توضیح یکی از افراد، مشکل ما را حل نماید و خود

از طرح پیشنهاد ، منصرف گردیم و یا اینکه آن را به صورت بهتر و جامعتر ارائه نماییم . به یاد آوریم که عنوان این قسمت " شور و پیشنهاد " است و اگر صرفاً بیان پیشنهاد مورد نظر بود ، طرق دیگری در پیش گرفته می شد که وقت ضیافت گرفته نشود .

امیدواریم به همت ناظمین عزیز و همکاری کلیه اجباء ، از این به بعد درباره پیشنهادها . شور کافی شود و آنچه را که به تصویب اکثریت اعضای ضیافت می رسد . به عنوان پیشنهاد آن ضیافت مطرح نمایند و اگر فردی اصرار داشت که پیشنهاد فردی خود را به اطلاع برساند ، به نام خود وی در برگه پیشنهادها مرقوم فرمایند .

۴- " تحری حقیقت " یکی از تعالیم اساسی حضرت بهاءالله است که اهمیت و شرایط آن در ضمن آثار مبارکه جمال قدم و حضرت عبدالبهاء - بخصوص در خطابات مبارکه - و توقیعات حضرت ولی امرالله تشریح شده است . اما شاید کمتر به ارتباط آن با مشورت توجه شده است .

از ابوسعید ابوالخیر نقل می کنند که گفت : مشورت مثل این است که سکه طلائی را در کوچه گم کرده باشی و برای یافتن آن همه خاک کوی را به غربال کشی تا سکه را بیابی . معلوم است که مقصود از غربال کردن خاک کوی ، جستن سکه است . در مشورت نیز شنیدن سخنان این و آن ، به قصد یافتن سکه طلائی حقیقت است . پس ، از هیچ سخنی غافل نمی مانیم مبادا سکه مقصود در همان سخن نهفته باشد .

مفهوم تحری حقیقت در این مناجات حضرت عبدالبهاء آمده که می فرمایند: " جوایای شمس حقیقت باشیم از هر افقی طالع شود و طالب رانحه طیبه باشیم از هر گلی انتشار یابد . "

۵- هر چند مشارکت رسمی افراد در امور اداری مستلزم بلوغ به سن بیست و یک سالگی است ، اما این امر به معنای این نیست که قبل از این سن ، نمی توان در باره امور جامعه ، اظهار نظر و ارائه پیشنهاد نمود. نوجوانان و جوانان بهائیی مجازند که در باره جمیع امور جامعه جهانی بهائی در سطوح محلی ، ملی و بین المللی ، اظهار نظر نمایند و چنانچه برای اصلاح و اکمال امور ، پیشنهاد یا تذکری دارند ، مطرح نمایند . وظیفه بزرگسالان و احبای ذی رأی و مؤسسات بهائی در این مواقع چنین است که همچون هر پیشنهاد و تذکر دیگری که از جانب سایر احباء مطرح می شود ، جوانب مختلف آن را سنجیده ، چنانچه مقرون به صواب است در جهت عمل به آن ، اقدام نمایند .

بنابراین چنانچه این عزیزان در وقت شور و پیشنهاد علاقمند به بیان نظرات و پیشنهادهای خود بودند ضمن اینکه به آنها اجازه بیان منویاتشان داده می شود با شور کامل درباره آن موجبات تشویق و دلگرمی آنان را فراهم می آوریم . بدیهی است که در مراحل رأی گیری درباره این پیشنهادها فقط عزیزانی که به سن بیست و یک سالگی رسیده اند ابدای رأی خواهند نمود .

۶- یکی از نکات مهم که در وقت شور جلسات ضیافت توجه به آن ضرورت دارد، تفاوت بین "پیشنهاد" و "تذکر" است.

"تذکر" یکی از اصول، موازین، قوانین و ضوابط پذیرفته شده را یادآوری می کند و بر رعایت آن تأکید می ورزد به طور مثال: اولیاء اطفال بهائی به کلاسهای درس اخلاق اهمیت بدهند.

یا: در جلسات تذکر، موازین روحانی و اخلاقی مراعات گردد.

اما "پیشنهاد"، طریق عملی برای نیل به اهداف یا تحقق اصول، موازین، قوانین و ضوابط پذیرفته شده را مطرح می کند. پیشنهاد خود می تواند بیانگر قانون یا ضابطه جدیدی باشد.

مثال: سایر جلسات در صبحهای جمعه تعطیل گردد تا از تعطیل شدن کلاسهای درس اخلاق پیشگیری شود.

یا: برای تقویت ناظمین جلسات مختلف، دوره های آموزشی، ترتیب داده شود.

پس هرگاه آنچه مطرح می گردد قبلاً پذیرفته شده است یا جزء اصول و موازین قطعی بهائی است، داریم "تذکر" می دهیم لذا شور در باره آن لازم نیست ولی اگر در باره آن مطلب اتفاق نظر نیست و قبلاً نیز در باره آن تصمیمی گرفته نشده و محتمل است که با کل آن یا وجهی از آن مخالفت گردد، "پیشنهاد" است لذا می توان در باره آن به شور و تبادل نظر پرداخت و پس از استماع نظرات موافق و مخالف و بررسی وجوه مختلف آن، تصمیم گیری نمود و در صورت نیاز به رأی گیری مبادرت کرد.

۷- درست است که افراد احباء آزادند در جلسه ضیافت، نظرات خود را در باره مسائل جامعه بیان نمایند اما توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و وضعیت اعضای جلسه، بخصوص کیفیت ضیافت در حال حاضر، اهمیت دارد، شاید در صورتی که ضیافت در حضور اعضای محفل محل تشکیل می شد، طرح بعضی مباحث و بیان نظرات از هر نوع، اشکالی نداشت زیرا محفل محل، حضوراً در جریان مسائل قرار می گرفتند و چه بسا مستقیماً نیز توضیح می دادند اما در حال حاضر که چنین امکانی وجود ندارد بهتر است مسائلی در جلسه ضیافت مطرح شود که مربوط به مصالح عالیه امر باشد. طرح مسائل فردی در رابطه با معاملات و غیره در جلسه ضیافت نه تنها رفع مشکل نمی نماید بلکه محتمل است موجب مشکلات دیگری نیز بشود. این است که این گونه امور باید در حضور مراجع ذی ربط مطرح شود. اما همین مسأله شخصی اگر بنحوی طرح گردد که بدون اشاره به جزئیات یا مشخصاتی که مستقیماً به فرد یا افراد خاصی اشاره می کند، اصل مشکل بیان شود شاید بر آن اساس، نظر و پیشنهادی به فکر اعضای ضیافت برسد تا مطرح نمایند.

باید از هر گونه مطلبی که به شکلی اشاره به افراد احباء می کند، اجتناب نمائیم تا روح محبت و وحدت محفوظ ماند. مبادا، خدای ناکرده موجب تضییع شخصیت افراد گردیم زیرا جبران آن، مشکل است.

۸- حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " در هر مسأله، تحری حقیقت کنید نه اصرار در رأی زیرا اصرار و عناد در رأی، منجر به منازعه و مخاصمه گردد و حقیقت، مستور ماند. " ۱

در مشورت و مذاکره باید بتوانیم هر مسأله را از نظر گاههای مختلف، نظاره کنیم و چون امکان زیادی وجود دارد که هر انسانی چنین وسعت نظری نداشته باشد، امر مشورت ضرورت بیشتری پیدا می کند زیرا هنگامی که در باره مسأله ای به شور می نشینیم، در واقع می خواهیم با کمک دیگران، نظر گاههای مختلف در باره آن مسأله را جستجو کنیم، بنابراین یکی از موانع اصلی شور حقیقی، اصرار بر رأی خویش است که طرح نظرات گوناگون را با مانع مواجه می کند. کسی که بر نظر خویش پافشاری می کند به زبان دیگر می گوید که جز نظر من هیچ نظر دیگری نمی تواند درست باشد. در حالی که باید دانست افرادی می توانند اهل مشورت باشند که آماده بازنگری نظرات خود باشند و بتوانند دنیای غیر از خود را ببینند.

باید توجه داشت که احتراز از اصرار در رأی همچون سایر خصایص اصحاب شور نیاز به تمرین و ممارست و تذکر و مراقبت دارد زیرا اگر این خصیصه بنحو حقیقی تحقق نیابد یا منجر به تعصب و تنگ نظری می گردد و یا انفعال و بی نظری. در حالت اخیر فرد برای احتراز از اصرار در رأی، هیچ کوششی برای توجیه و توضیح دلایل و اثبات حقانیت نظر خویش به کار نمی برد و همین که با مخالفت فردی روبرو

۱- امر و خلق - جلد ۳ - صفحه ۴۰۹

شد ، نظر خود را تغییر می دهد . این حالت نیز مطلوب نیست بلکه باید با استدلال واضح و بدون رنجش از مخالفت دیگران کوشید که علل ابهام نظر خود و مخالفت دیگران را یافت و با توضیح مناسب رفع ابهام نمود . اما زمانی که متوجه شدیم نظرمات کاملاً گویا بوده و جمع با آن موافق نیست ، از اصرار و پافشاری اجتناب کنیم .

نکته دیگر آنکه فرد ممکن است در بیان نظرات خود و شور در باره آن اصرار ننماید ولی همچنان حق دارد چنانچه نظر بهتر و مناسب تری ارائه نشده در هنگام رأی گیری به نفع نظر خود ، رأی بدهد مگر آنکه بنا به مصالح کلی و برای به جریان افتادن امور ، و با توجه به موقعیت ، پیشنهاد دیگری را بپذیرد .

۹- حضرت عبدالبهاء می فرمایند : " ... بارقه حقیقت . شعاع ساطع از تصادم افکار است . در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء ، حاصل گردد فنعم المراد و اگر معاذالله اختلاف حاصل شود به اکثریت آراء قرار دهند ... " ۲

با توجه به بیان مبارک که در فوق زیارت شد ، اتفاق آراء در شور بهائی ، اصالت دارد و در مقابل آن رجوع به رأی اکثریت فقط در مواقع خاص ، صورت می گیرد . برای تحقق اتفاق آراء باید شیوه ای به کار گرفت که رؤوس آن به شرح ذیل است :

۱- از مجادله برای قبولاندن موضع خود ، اجتناب کنید .

۲- خصائل اهل بهاء و فرائض اصحاب شور - صفحه ۶۴

شخص باید موضع خود را به طور مستدل و با بیانی واضح، مشخص کند ولی به نظرات دیگران نیز گوش فرا دهد و آنها را بدقت بررسی نماید و از هر گفتار و رفتاری که منجر به مجادله و خصامه گردد، اجتناب نماید.

۲- قابل قبول ترین شق اخذ تصمیم از نظر اعضاء را در مواقع بن بست مذاکرات جستجو کنید.

در این حالت باید با سنجش و ارزیابی شقوق مختلف راه حل یک مسأله، آنچه را از نظر جمع بیشتر قابل قبول است، انتخاب نمود یا از تلفیق راه حل‌های مطرح شده، پیشنهاد دیگری بدست داد که نقاط قوت و قابل قبول سایر نظرات را حائز باشد. بدین ترتیب بحث از حالت بن بست خارج شده. نیل به اتفاق نظر. تسهیل می گردد.

۳- از تغییر رأی خود بدون هدف و منطق معین، احتراز نمایند.

میل به اتفاق آراء نباید به این وضعیت منجر شود که فرد بدون مبانی منطقی و هدف مشخص، از نظر خود برگردد اگر در حین مذاکره، موضوع بخوبی تجزیه و تحلیل نشود و وجوه مختلف آن بررسی نگردد حتی اگر در باره آن اتفاق آراء حاصل گردد، محتمل است که تصمیم متخذه دچار اشکال باشد.

در بعضی موارد ظاهراً همه اتفاق نظر دارند ولی باطناً هر کس از تصمیم متخذه برداشت و تعبیر خاص خود دارد که بعداً در عمل، مشکلاتی ایجاد می نماید. بنابراین باید مطمئن شد که برداشت همه از تصمیم یکسان است.

۱۰- در هر مذاکره ای اعم از آنکه در باره یک مسأله خانوادگی باشد یا شراکت اقتصادی و صرف نظر از اینکه گستره آن چقدر باشد، طرفین مذاکره ناگزیر در باره موضوع مذاکره دارای مواضعی هستند و غرض از مذاکره و مشورت این است که با بررسی جوانب موضوع و ارزیابی منافع و مضرات هر شق تصمیم گیری بالاخره به نتیجه ای رسید که مورد موافقت طرفهای مذاکره باشد.

در عرف جامعه و بخصوص تحت تأثیر روابط اقتصادی و معاملات، افراد تمایل دارند در موضعگیریهای خویش فقط به منافع خود ناظر باشند و فراموش نمایند که اگر طرف مقابل نیز به همین نحو موضعگیری نماید، نتیجه ای حاصل نمی شود مگر مجادله و اختلاف. حال اگر در معاملات این گونه موضعگیری و رفتار توجیهاتی داشته باشد، مسلماً در مشورت، آنهم هنگامی که مشورت در باره امور جامعه اسم اعظم است به هیچ وجه پسندیده نیست.

هر مشاوره و مذاکره ای بر اساس معیارهائی ارزیابی می گردد که از آن جمله باید به این سه معیار توجه شود: توجه باید "عاقلانه و مؤثر" باشد و "باعث بهبود روابط مذاکره کنندگان شود" و یا لاقلاً از خراب شدن روابط فیمابین پیشگیری نماید. توافق عاقلانه، توافقی است که خواسته ها، علایق و آراء مشروع و برحق طرفهای مذاکره را رعایت کند، اختلاف را منصفانه رفع نماید و منافع عمومی را هم در نظر بگیرد. از آنچه گفته شد به این نتیجه می رسیم که در مشاورات بهائی، افراد باید حتی الامکان از موضعگیری، مبتنی بر پیشداوری و منافع شخصی یا

محدود گروهی خاص. اجتناب نمایند مگر در مواقعی که موضع اتخاذ شده منطبق بر موازین امری و موافق روح وحدت و متوجه به مصلحت عمومی باشد چرا که هر چه موضعگیری بیشتر باشد به منطق و منشاء نظرات سایرین کمتر توجه می کنیم و در نتیجه یا توافقی حاصل نمی شود و یا توافق حاصله با منافع مشروع طرفهای مذاکره و مصلحت عمومی فاصله دارد که نتیجتاً نمی تواند راضی کننده باشد.

پس شور بهائی خواه بین اعضای خانواده باشد خواه بین شرکای اقتصادی، در باره امور محلی جامعه ای کوچک باشد یا در باره مسائل مهمه بین المللی، در یک ضیافت باشد یا در یک مؤسسه ملی، باید با موضعگیری منطقی و مشروع صورت گیرد و متوجه خیر و صلاح عمومی باشد و خواسته های عاقلانه و مشروع اصحاب شور، رعایت شود تا توافق مطلوب حاصل شود.

۱۱- در چند جلسه قبل گفتیم که لازم است در باره پیشنهادهایی که در ضیافت مطرح می گردد، شور کامل شود تا نظر کلیه اعضاء در باره آن پیشنهاد بیان شده، سپس آنچه را مورد تأیید جمع است، خواه به اتفاق آراء خواه به اکثریت آراء، به خادمین محل اعلام نمایند و چنانچه فردی پس از شور و رد پیشنهادش از طرف جمع، اصرار در طرح آن داشت، پیشنهاد وی به صورت فردی به برگه اعلام پیشنهادهای ضیافت افزوده شود. حال می خواهیم در باره نحوه شور و رأی گیری نکاتی را یادآور گردیم. پس از آنکه پیشنهادی مطرح شد:

۱- ناظم از حاضرین می پرسد که آیا موضوع پیشنهاد را کاملاً متوجه شده اند یا نه و چنانچه نیاز به توضیح بود شخص پیشنهاد دهنده و یا ناظم ، توضیحات لازم را بیان می کنند .

۲- پس از اطمینان از وضوح موضوع پیشنهاد ، ناظم از جمع می پرسد که آیا کسی پیشنهاد را تأیید می نماید . این امر بدین دلیل صورت می گیرد که پیشنهادی قابل شور و بررسی است که علاوه بر پیشنهاد دهنده حداقل یک نفر دیگر نیز با آن موافق باشد و الا قابل بحث و تبادل نظر نیست ، لذا شور در باره آن صورت نمی پذیرد .

۳- در بدو شروع شور ، ناظم از جمع می خواهد که اگر کسی با پیشنهاد مخالفتی دارد ، نظر خود را ابراز نماید . اگر پیشنهادی هیچ مخالفی نداشته باشد و کاملاً هم روشن و مفهوم باشد ، تصویب است و بحث درباره آن نمی شود . لذا ضرورتی ندارد موافقان با آن پیشنهاد ، اظهار نظر نمایند .

۴- چنانچه پیشنهادی حداقل یک مخالف داشته باشد پس از اظهار نظر مخالف ، به تناوب ، موافقین و مخالفین دیگر نظرات خود را بیان می کنند و طی آن هر یک ، وجهی از وجوه مخالفت و موافقت را که قبلاً بیان نشده مطرح می نمایند یا نظرات قبلی را برای وضوح بیشتر ، تشریح می نمایند .

۵- پس از آنکه نظرات ، کاملاً مطرح شد و دیگر نکته جدیدی در بیانات حاضرین نبود ، ناظم اقدام به رأی گیری می نماید . البته اگر شور

به نحو کامل و دقیق پیش رود ، انتظار می رود به اتفاق آراء برسیم ولی چنانچه اتفاق آراء حاصل نشد ، به رأی اکثریت رجوع می شود .

۶- چنانچه نصف تعداد حاضرین ذی رأی به اضافه یک نفر ، با پیشنهادی موافق باشند ، آن پیشنهاد به اکثریت آراء تصویب می شود و الا پیشنهاد رد شده . پیشنهاد دهنده در صورت تمایل و اصرار می تواند آن را به صورت پیشنهاد فردی مطرح کند .

امید است که با رعایت موازین روحانی و اداری ، وقت شور و پیشنهاد جلسات ضیافت بیش از پیش رونق یابد و آثار و نتایج مفیده آن در جامعه نمایان گردد .

کیفیت روحانی مشورت

۱- خلوص نیت

روح مشورت خلوص نیت است. اگر اساس کار بر این اصل مقدس الهی قرار گیرد ابواب تأیید و توفیق بر وجه اصحاب شور گشوده شود همانقدر که نتایج حاصله از این خلق و خوی روحانی عظیم و عزیز است اتصاف به آن نیز دشوار و مستلزم فداکاری و از خود گذشتگی بسیار. هر فرد انسان باقتضای انسان بودن گرفتار امیال و هوسهای مختلفه و نیرومند است. این امیال و هوسهای گوناگون دست و پا بلکه همه اعضای انسان را سخت مقید می سازند که رهایی از آنها همتی مردانه و جانانه می خواهد. جمال اقدس ابهی جل جلاله افراد احباء را جهت نیل باین صفت علیا چنین هدایت می فرماید، قوله تعالی: «جهد کنید تا اعمال از غبار ریا و کدورت نفس و هوی پاک شود و بساحت عز قبول در آید.» بموجب این تعلیم حق سعی و مجاهده راه حصول خلوص نیت است.

۲- انقطاع از ماسوی الله

انقطاع توجه صرف به خداوند است و قطع علاقه و دلبستگی از هر چه و هر که غیر اوست. در حین مذاکرات و مشاورات باید سعی نمود که عوامل مادی و علائق دنیوی سدره و وصول به حقیقت نگردد. فکر و روح باید متوجه حق باشد و سخن در راه او و بخاطر او گفته شود. بدیهی است وقتی اصحاب شور خود را در محضر حق مشاهده کنند سخنی بر خلاف حق و رضای او بر زبان جاری نسازند.

۳- خضوع و خشوع

افتخار خدمت در این دور مقدس تاج وهاجی است که بر تارک مخلصین و محبین حق قرار می گیرد لذا هر که از این افتخار نصیبی بیشتر دارد باید نزد بندگان حسالقدم و اسم اعظم خاشعتر و خاضعتر باشد.

۴- صبر و تحمل بر بلا

هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند آنان که در میدان خدمت بر بودن گوی افتخار مشغولند از تیر جفای معاندین و مخالفین در امان نخواهند بود. تاریخ امر مشحون است از امثال و شواهدی که همیشه خادمین جامعه بیشتر از دیگران و زودتر هدف بلا یا و آزار قرار می گرفته اند لذا هر که دامن همت بر کمر می زند و قدم در میدان خدمت پیش می نهد باید خود را آماده تحمل هر بلا کند.

۵- محبت

مصدر ایجاد محبت است. این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء است. اعضا هر تشکیل از تشکیلات امریه اهداف و مقاصدی واحد دارند و صول باین مقاصد جز از طریق محبت ممکن نیست. مجمع شور میدان ظهور و جولان آراء و عقاید متفاوت و گوناگون است و مرکز تصادم آنها با یکدیگر. تنها در پرتو محبت و صمیمیت است که از این برخورد و تضادم شعاع حقیقت ساطع می شود. اعضا انجمن شور به این بیان مبارک از قلم حضرت عبدالبهاء مخاطب گشته اند، قوله عز بیانه:

« اول شرط محبت و الفت تام بین اعضاء آن انجمن است که از بیگانگی بیزار گردند و بیگانگی حضرت پروردگار آشکار کنند . زیرا امواج یک بحرند و قطرات یک نهر نجوم یک افقند و اشعه یک شمس درختان یک بوستانند و گل‌های یک گلستان . »

۶- مکالمه حشو و زوائد نشود

باید از خدا خواست که همه را از شر مکالمات زائد حفظ فرماید . شاید هیچ عاملی بقدر مذاکرات غیر لازم وقت و نیروی اصحاب شور را هدر ندهد . هر سخن غیر لازمی را حشو گویند و زائد است و لو اینکه گفتنش به ظاهر خوشایند و جالب باشد . منظور از بحث و مذاکره روشن شدن مسائل و مشکلات است بطوری که اعضاء بتوانند تصمیم قطعی خود را در مورد موضوع مورد بحث اتخاذ کنند . هر سخنی که به حصول این نتیجه کمک کند لازم است و باید گفته شود و هر چه مربوط به موضوع مورد مذاکره نباشد و یا تکرار گفته دیگران باشد حشو است و زائد و باید از بیانش احتراز شود .

۷- ملایمت کلام

مذاکرات اصحاب شور باید در نهایت ملاحظت و محبت باشد . این خود مشروط است به شروط قبیل که برای روش مذاکرات اصحاب شور ذکر شد ، شروط محبت و خلوص نیت ، وقتی اعضاء انجمن شور همه خود را یار و مدد کار یکدیگر دانستند و بارشته های محبت وجود همه تبدیل به

یک وجود شد و نیز هنگامی که اساس اصلی مشاورات بر اخلاص قرار گرفت آن وقت سخنی که فاقد روح عشق باشد در آن انجمن به میان نیاید.

سخنان محبت آمیز مؤثرتر و نافذتر است و اثراتش در مستمعین حتمی و قطعی سخن درشت ولو بر اساس عقل و منطوق باشد تأثیراتش جزئی و گاه به کلی نتایج معکوس به بار می آورد. جمال اقدس ابهی این حقیقت را با این کلمات عالیله بیان می فرمایند، قوله جل جلاله:

« دانای آسمانی می فرماید گفتار درشت به جای شمشیر دیده می شود و نرم آن بجای شیر کود کان جهان از این به دانایی رسند و برتری جویند. »
نقل از آهنگ بدیع سال ۲۱ شماره ۱ صفحات ۵-۸

اهمیت مشورت

حضرت بهاء الله می فرماید:

« ... مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظن و گمان را به یقین تبدیل نماید »

بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر و هویدا»

و نیز می فرماید:

« آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر: مشورت و شفقت. »

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

« ... مقصود از مشورت آنست که آراء نفوس متعدد البته بهتر از رأی

واحد است نظیر قوت نفوس کثیره البته اعظم از قوت شخص واحد است. »

«... ولی باید اعضای مشورت در نهایت محبت و الفت و صداقت با یکدیگر باشند...»

و نیز می فرماید :

« قضیه مشورت در امور بسیار مهم و از اعظم وسائط راحت و سعادت نفوس . »

آداب مشورت

حضرت عبدالبهاء می فرماید :

« در هر مسئله ای تحری حقیقت کنند نه اصرار در رأی ... »

« رأی اکثریت ندای حق بوده و قابل احتجاج نیست و باید همواره با کمال میل و اشتیاق به مورد اجرا گذاشته شود این رأی اکثریت را باید یاران قلباً قبول کنند و آن را یگانه وسیله صیانت و پیشرفت امرالله شمرند . »

حضرت ولی امرالله می فرماید :

« باید در جمیع احیان از روح تفوق و استکبار و روش استتار اجتناب نمایند و از رفتار تسلط طلبی بیزار شوند و در مشاورات خود هر گونه تعصبات و امیال شخصی را کنار گذارند ... »

«... نباید هیچیک از اعضا متکدر از مقاومت دیگری شود بلکه هر یک قول دیگری را با وجود مخالف بودن با رأی خویش در نهایت ادب به خلوص نیت گوش دهد و غباری در قلبش ننشیند . »

کیفیت اداری مشورت

یکی لزوم وحدت فکر و مقصد اهل شور و دیگری روش صحیح آغاز مشااورات و مذاکرات، مقررات اداری برای حصول نتایج مطلوبه از بحث و مذاکره بسیار لازم و مؤثرند؛ اما اگر این مقررات با وحدت هدف و شئون روحانیه اهل شور همراه نگردند از تأثیر باز مانند. منظور از وحدت هدف این است که اهل شور در حین مذاکرات و مباحثات همه ناظر به یک هدف باشند و آن پیدا کردن بهترین روش اجرای کارها و حل معضلات و مشکلات جامعه است این مسئله بسیار مهم است و عامل عمده ای است برای اینکه مذاکرات بر موازین صحیح اداری و روحانی منطبق گردد و جریان یابد.

نقل از آهنگ بدیع سال ۲۱ شماره ۱ صفحات ۸-۵

الف : طریقه ارائه پیشنهادات و شور و مشورت :

... در این قسمت مهم از پروگرام ضیافات ناظم محترم جلسه ساعت شور را اعلام داشته و از احبای الهی سؤال می نماید که آیا کسی راجع به پیشرفت امور امری در محل خود اولاً، در کشور مقدس ایران ثانیاً و در دنیای بهایی ثالثاً، پیشنهادات و نظراتی دارد یا نه. آنوقت هر کس پیشنهاد مفید عملی و مطابق با روح و موازین امری داشته باشد اظهار می دارد. در مورد اظهار پیشنهاد و شور و اخذ رأی نسبت به آن در جلسات ضیافات به طور کلی در تشکیلات بهایی باید به نکات ذیل توجه نمود :

۱- پیشنهاد باید بنفسه صریح و روشن بوده و از طرف پیشنهاد دهنده به

طور خلاصه اظهار شود .

- ۲- برای اینکه پیشنهادی مورد بحث و مذاکره قرار گیرد باید یک یا چند نفر از اعضاء رسمی جلسه به غیر از عضو پیشنهاد دهنده آن را تأیید نماید .
- ۳- پس از اینکه پیشنهادی تأیید شد بحث و مشورت در اطراف آن آغاز و موافقین و مخالفین با رعایت ادب و نوبت و کسب اجازه از رئیس جلسه به بیان نظرات خود می پردازند . البته اعضاء در ابراز آراء و افکار خود آزادند و لکن باید سعی نمایند که از تطویل کلام و تکرار مطالب و اتلاف وقت احتراز جویند و از موضوع مورد بحث خارج نشوند .
- ۴- اگر پیشنهادی از طرف هیچیک از اعضاء تأیید نشد آن پیشنهاد از دستور خارج گردیده و درباره آن دیگر مذاکره به عمل نخواهد آمد .
- ۵- هر گاه عضوی از اعضاء بخواهد پیشنهاد رسیده را اصلاح نماید و نسبت به آن نظری داشته باشد می تواند به اصطلاح ، پیشنهاد اصلاحی بدهد و اگر پیشنهاد اصلاحی او مورد تأیید قرار گرفت رئیس جلسه باید ابتدا نسبت به پیشنهاد اصلاحی و سپس به پیشنهاد اصلی رأی گیرد .
- ۶- رأی ممتنع یعنی عدم ابراز رأی صریح در تشکیلات بهایی جایز نیست و هر عضوی باید نظر خود را نفیاً یا اثباتاً اظهار نماید .
- ۷- هنگام مذاکره و اخذ رأی رئیس جلسه همان اختیارات و حدود سایر اعضاء را داشته و برای اینکه نظر او احیاناً بر دیگران تحمیل نشود باید حتی المقدور نظر خود را بعد از همه اعضاء بیان دارد و ساعت شور را به کمال روحانیت و صفا و موافق با روح بهایی اداره نماید .
- ۸- پس از اینکه پیشنهاد یا پیشنهاداتی مورد تصویب جلسه قرار گرفت

بدون ذکر نام پیشنهاد دهندگان نفس پیشنهاد دادداشت می گردد .

۹- بر هر یک از افراد جامعه رجالاً و نساءً فرض است که با صمیمیت و جدیت تام در ساعات شور جلسات ضیافت شرکت جست و نظرات مفیده خود را ابراز دارد تا بدین وسیله کلیه احبای الهی در جمیع نقاط با روح و فکر واحد اجتماع و تبادل نظر نموده و یگانه آرزو و مقصدشان پیشرفت مصالح امرالله و اشتهار دین الله باشد .

۱۰- تمام افراد می توانند در دادن پیشنهاد سهیم باشند لکن در زمان رأی گیری فقط افراد ۲۱ سال به بالا می توانند شرکت نمایند .

از جزوه ضیافت نوزده روزه

لزوم شرکت همه اعضا در مشورت

ناظم محترم باید تمام افراد شرکت کننده را تشویق به شرکت در مشورت نمایند . حضرت ولی امرالله می فرماید :

« چه بسا که اضعف عباد بی سواد و بی تجربه متوکلاً علیه به صرف الهام

در مشکلتین مسائل ، عقیده ای بسیار ممتاز و تاریخی ابراز می دارد . »

هیچ پیشنهادی قابل بحث و یا اخذ رأی نخواهد بود مگر آنکه رسماً تقدیم

و تأیید شود بهتر است هر پیشنهادی بنفسه واضح و کامل باشد ولی اگر

پیشنهاد اصلاحی رسماً تقدیم و تأیید شود رئیس جلسه اول نسبت به

پیشنهاد اصلاحی رأی می گیرد اگر پیشنهاد اصلاحی تصویب شود

پیشنهاد اولیه از بین می رود و اگر تصویب نشود پیشنهاد اولیه مورد بحث

قرار می گیرد .

باید توجه داشت که پیشنهاد اصلاحی مربوط به موضوع و در جهت پیشنهاد اصلی باشد نه مخالف آن. پس از طی این مرحله در اینجا است که اعضا عملاً وارد مشورت می گردند. مخالف و موافق با رعایت نوبت و اجازه از رئیس جلسه صحبت می کنند و رعایت اصول روحانی مشورت را از نظر ملایمت در گفتار و ادب در کلام و صراحت در بیان و عدم تکدر از مقاومت دیگران در نهایت روحانیت و بی غرضی و بی نظری و آزادگی می نمایند.

نظم اداری بهایی جناب هوشنگ محمودی ص ۹۶

هر تصمیمی برای همه اعضای محفل چه موافق و چه مخالف چه حاضر چه غائب محترم و اجرائش ضروری و لازم است و این بدان معنی است که در امر بهایی نمی تواند عضو مخالف بگوید من با پیشنهاد یا تصمیم درباره فلان موضوع چون مخالف بودم از اجرای آن تصمیم معافم و یا چون هنگام اخذ تصمیم درباره فلان موضوع در جلسه محفل حاضر نبودم از اجرای آن تصمیم معذورم بلکه رأی اکثریت بفرموده حضرت عبدالبهاء ندای حق است و در امر مبارک و در نظم اداری بهایی اقلیت و اکثریت نداریم. همیشه اکثریت به طور مطلق مطرح و هر وقت اکثریت به امری رأی داد بایستی آنها که مخالف بوده اند، قلباً لساناً عملاً تابع تصمیم اکثریت باشند، پس اقلیت در امر مبارک مفهومی ندارد.

بحث درباره هر موضوع موقعی خاتمه یافته تلقی می گردد که اعضا در ختم مذاکرات توافق نمایند. منظور از این روش آن است که همه اعضا

فرصت کاملی برای اظهار نظر داشته باشند. پیشنهاد ختم مذاکرات نیز مانند هر پیشنهاد بایستی از طرف یکی از اعضاء مطرح و تأیید شود و اتخاذ رأی به عمل آید.

نظم اداری بهایی جناب هوشنگ محمودی ص ۹۷

ب: طریقه ارائه پیشنهادات و شور و مشورت:

اغلب اتفاق می افتد که پیشنهاد یکی از اعضاء در امری از امور مورد موافقت کامل تمام اعضاء است. بدیهی است در این صورت هیچ احتیاجی به مذاکره نخواهد بود ولی بعضی به تصور اینکه باید راجع به هر پیشنهاد و مطلبی که طرح می شود حتماً صحبت بکنند شرح مفصلی در تأیید و تمجید پیشنهاد مورد موافقت عموم اظهار و مدتی وقت جلسه را بدون اخذ کوچکترین نتیجه و فایده ای می گیرند و همچنین وقتی پیشنهادی مورد موافقت عده ای و مخالفت عده دیگر واقع می شود باید یک نفر موافق و یک نفر مخالف در آن موضوع صحبت کنند و دیگران از موافقین و مخالفین پیشنهاد اگر مطلب و دلیل تازه ای که ذکر نشده باشد بر نه یا علیه آن پیشنهاد دارند آن را به طور مختصر بیان نمایند نه اینکه مجدداً همان مطلب ذکر شده را با عبارات دیگر و به تصور خود به طور رساتر و واضحتر تکرار نمایند. زیرا این تکرار به غیر از تضييع وقت گرانها سبب کسالت و در بعضی اوقات افسردگی و ملالت خاطر اعضاء می شود.

هیچ پیشنهاد مصوبی یعنی هیچ تصمیمی در همان جلسه مورد تجدید نظر نمی تواند قرار گیرد مگر به حکم ضرورت. فی المثل در جلسه ای تصمیم گرفته شده که یکی از مبلغین را به سفری تبلیغی اعزام نمایند خبر می رسد که آن مبلغ فی المثل بیمار یا مسافر است در این صورت آن تصمیم خود بخود لغو می شود و در صورت ضرورت می توان درباره آن موضوع در همان جلسه تصمیم دیگری اتخاذ نمود.

نظم اداری طرح مکاتبه ای جناب هوشنگ محمودی ص ۹۷

هر تصمیمی ممکن است در جلسه دیگر مورد تجدید نظر قرار گیرد تجدید نظر مانند یک پیشنهاد بایستی تقدیم و تأیید شود که پس از موافقت اکثریت با تجدید نظر در تصمیم قبلی محفل حق دارد مجدداً نسبت به تصمیم قبلی خود مشورت نماید که نتیجه از سه حال خارج نیست یا تصمیم قبلی تأیید می شود یا رد می شود یا اصلاح می گردد.

ولی اگر اکثریت اعضاء محفل مایل به ورود در تجدید نظر نباشد ادامه مذاکره از طرف هیچیک از اعضاء در اطراف موضوع سزاوار نخواهد بود.

کتاب نظم اداری بهایی تألیف جناب هوشنگ محمودی چاپ سوم ص ۹۷-۹۸